

مدل های جدید و جذاب فوتبال

■ فوتبال حیابی

فوتبال حیابی رشته‌ای بسیار پر جنب و جوش است که نیاز به مهارت چندانی ندارد. گل زدن در این رشته بسیار مشکل است، زیرا بالا تنه بازیکنان تماما داخل حباب پوشیده شده است و بنابراین حفظ تعادل سخت شده که همین موضوع باعث جذابیت آن شده است. در فوتبال حیابی هدف گل زدن و برنده شدن است و تنها تفاوت آن با بازی فوتبال در این است که بازیکنان هر تیم در یک حباب باد شده شفاف (که از سر و بالا تنه محافظت می کند) قرار می گیرند. حباب‌ها با اینکه یک سپر دفاعی محسوب می شوند اما باعث افزایش احتمال بر خورد های تن به تن می‌شوند و تجربه ای عجیب و مفر ح را به وجود می آورند.

■ قوانین

- بازی در زمین های متفاوت چمن و یا سالینی برگزار می شود.
- هر بازی متشکل از دو تیم شرت کتکننده است و هر تیم حداقل باید ۵ بازیکن داشته باشد.
- وقت بازی شامل دوزمان ۷ دقیقه‌ای و ۵ دقیقه استراحت بین دو نیمه می باشد.

■ هزینه‌ها

ورودی هر شخص برای نیم ساعت بازی ۱۰ هزار تومان است که در مجموع هر بازی ۱۰۰ هزار تومان برای خانواده هزینه در بر خواهد داشت.

■ فوتبال دستی انسانی

قطعا خیلی لذت بخش خواهد بود وقتی که جای یکی از آدمک های داخل فوتبال دستی قرار می گیری و این بار به جای اینکه با حرکت دسته بازی به آدمک فوتبال دستی دستور شوت و یا پاس بدهی خودت تصمیم می گیری با توپ چه کاری انجام دهی. این اتفاق لذت بخش چند سالی هست که افتاده و شما می توانید با قرار گرفتن به جای آدمک های فوتبال دستی بازی کنید.

■ قوانین

احتمالا بعد از این که این قواعد را بخوانید و با خطاهای این بازی آشنا شوید، تصمیم می گیرید که قانونی بازی نکنید! اما توصیه ما به شما این است که حتما قوانین را رعایت کنید تا آسیبی نبینید.

- هر بازی متشکل از دو تیم شرت کتکنده است و هر تیم حداقل باید ۷ بازیکن داشته باشد.
- بازیکنان باید در تمام طول بازی در جایگاه خود باشند و اهرم های جایگاه خود را با هر دو دست گرفته باشند.
- کمر بازیکنان باید به وسیله کمر بند به میله ای متصل باشد. بازیکنان نمی توانند خارج از محدوده مشخص خودشان قدم بگذارند.
- وقت بازی شامل دوزمان ده دقیقه‌ای و پنج دقیقه استراحت بین دو نیمه می باشد.

■ هزینه‌ها

ورودی هر شخص برای یک ساعت و نیم بازی ۸ هزار تومان است که در مجموع هر بازی ۱۱۰ هزار تومان برای تیم ها هزینه در بر خواهد داشت.

حسین شمس سرمربی سابق تیم ملی فوتسال از اهمیت گل کوچک می گوید

گل کوچک، بازیکن بزرگ می سازد

میرجانیان: برای خیلی از ما سوال است که چه طور طی ۲۰ سال اخیر تیم ملی فوتبال ما حتی در آسیا عنوان قابل توجهی کسب نکرده اما فوتسالمان در جام جهانی، یک بار سوم و یک بار چهارم شده است. درباره اهمیت و جایگاه گل کوچک در فوتسال و فوتبال گپی کوتاه با حسین شمس سرمربی سابق تیم ملی فوتسال داریم. حسین شمس می گوید: «ما و بیشتر بازیکنان بزرگ فوتبال این کار را از گل کوچک های داخل خیابان ها شروع کردیم و در آن زمان این بازی پر هیجان بسیار رونق داشت اما روز به روز با افزایش آپارتمان سازی و بزرگ شدن شهر فضا ها کوچک تر شد و این بازی با ارزش که بسیار مورد نیاز فوتبال و فوتسال کشور بود را کم رنگ کرد تا جایی که الان فقط بازی هایی که شهرداری ها و یا سازمان های تفریحی مهیا می کنند انجام می شود.»

شمس درباره تاثیر گل کوچک بر پرورش بازیکنان بزرگ می گوید: «وقتی فضا برای بازی کوچک می شود مهارت های بازیکنان افزایش می یابد و هر بازیکنی که بتواند در زمین های کوچک توپ را در اختیار خودش داشته باشد طبیعی است که بتواند در زمین های بزرگ بسیار بهتر هنر نمایشی کند. به نظر من یکی از دلایلی که اکنون فوتسال در ایران رشد چشم گیری دارد و ما الان در جایگاه سومی می باشیم این است که پس زمینه ای به نام گل کوچک در همه مدارس و شهر های ما جریان داشته باشد. او در پایان گفت: «امیدوارم یک نهادی در ایران متولی این امر شود و ما اگر بخواهیم فوتبال و یا فوتسال خوبی داشته باشیم باید از این مسابقات نه به عنوان یک بازی قهرمانی بلکه به عنوان استعدادیابی استفاده کنیم.»

تیتراژ پایانی جُنگ فوتبالی ما

بچه های قدیم آرام و قرار نداشتند! محصور و اسیر شرایط نبودند! با هر امکاناتی و در هر موقعیتی یک توپ یک جلد و ساده کافی بود تا یکی از مشتقات فوتبال را به یک بازی شیرین تبدیل کنند. خلاصه شرایط شیرینی را رقم می زدند تا تکاپو داشته باشند. شما هم به فرزندتان اجازه بدهید با خلاقیت های شیرین نشاط داشته باشد. بازی کردن های این چنینی شکستگی دست و پا و کله دارد اما کودکی فرزندان را محدود و زخمیت نمی کند. هر کسی که فوتبال را دوست دارد و بازی می کند قرار نیست فوتبالیست شود. هیجان فوتبال انرژی روحی آدم ها را برای درس خواندن تقویت می کند. کار گروهی و رقابت در در این بازی های ساده یاد می گیریم و با تشکر از دو بازی شیرینی که به اختصار معرفی شان می کنیم:

- **موقعیتی بازی:** این بازی عجیب این طوری بود که یک نفر داخل دروازه بود و توپ را با استفاده از دیوار برای نفر دیگری می انداخت! او هم فرصت داشت توپ را در موقعیت ایجاد شده گل کند! هر کسی باید چند ضربه با پای چپ! چند ضربه با راست! چند موقعیت با سر را تبدیل به گل می کرد تا در موقعیتی برابر معلوم شود چه کسی بهتر است! این بازی مخصوص داخل اتاق بود و بیشتر با توپ های فسقلی ۵ تومانی انجام می شد!

- **پنالتی بازی:** این یکی هم بیشتر جان می داد روی قالی نرم انجام شود تا حسایی شیرجه بزнім! نفری چند پنالتی می زدیم و هر کسی بیشتر می گرفت و کمتر گل می خورد برنده بود. بهترین زمان برای این بازی وقتی بود که پدر و مادر خانواده در منزل نبودند!



درباره لذت بی انتهای «گل کوچیک» های قدیم در کوچه پس کوچه های شهر

مارادونای کوچه

و... مهم این بود که تمام دنیا آن لحظه در پاهای ما خلاصه می شد. همان گل کوچیک ساده، همان بازی من در آور دی در بیل گل می شد مهم ترین بازی دنیا، می شد حیثیتی ترین نتیجه ممکن، باید از جان ما یه می گذاشتیم برایش و تسلیم نمی شدیم. برای همین چنان از خود بی خود می شدیم که نمی فهمیدیم سرزنوئی شلوارمان پاره شده، آستین مان گلی شده، گوشه چشمانم ورم کرده و کله مان پر از خاک است. بارها و بارها بزرگ ترها صد ایمان می کردند و فقط یک جمله تکراری می شنیدند: فقط یک گل دیگه! توو خدا! یک گل دیگه! امروز می خواهیم با انواع و اقسام فوتبال هایی که در کوچه و خیابان یا حتی داخل خانه بازی می کردیم، خاطره بازی کنیم. از لذت گل کوچیک بگوییم و در دسر هایش را مرور کنیم و از خدمات فوتبال محلات برای تیم ملی بگوییم، با ما باشید.

گل کوچیک؛ ویژه تکنیکی ها

- **چه طوری بود؟** گل کوچیک جالب ترین فوتبالی بود که بچه ها در محلات بازی می کردند، سخت بود و جای بچه های تکنیکی و خاص. بیشتر از ۸ نفر و دو تیم چهار نفره مزه نمی داد. ماجرا از این قرار بود که دوتا دروازه کوچک داشتیم. بیشتر وقت ها دروازه بان در این دروازه ها ثابت نبود. گاهی که تیم ها می خواستند بچه های کوچک تر را بازی بدهند، به این رضایت می دادند که فقط داخل دروازه باشند و توی دست و پا نباشند. در گل کوچیک معمولی ترین دروازه بان ها هم گل نمی خوردند. کافی بود یک پسر ک کپل توی دروازه باشد و سعی کند لایی نخورد! البته گل کوچیک بازهای قهار دوست داشتند دروازه ها خالی باشد تا بازی گرم شود.
- **چی داشت؟** گل کوچیک فقط و فقط بر پایه تکنیک بود و پاسکاری سریع در جایی که تجمع بازیکن حریف زیاد بود. تکنیک برای جا گذاشتن بازیکن حریف و تا کنیک در حد تکیه تا کای بارسا، «پاس تودر» و «پاس پشت پا» خوراک گل کوچیک بود اما هیچ حر کتی در گل کوچیک مثل لایی نبود.
- **چی نداشت؟** در گل کوچیک از سانتر، شوت راه دور و به خصوص ضربه سر خبری نبود. اصلاً این کارها کار بردی نداشت.
- **رونقش کی و کجا بود؟** در مشهد محوطه جلوی راه آهن، بولوار فرودگاه و گاهی وقت ها خیابان مدرس مقر گل کوچیک بازها بود. ماه مبارک رمضان و ساعات بعد از افطار و همین طور شب های جمعه در گوشه و کنار خلوت شهر مثل حاشیه پارک ها، علاقه مندان به این بازی می پرداختند.
- **چی شد؟** در بین بازیکنان معروف فوتبال و فوتسال کشور خیلی ها بودند که معلوم بود خاستگاه ورزشی شان گل کوچیک و تا حدودی فوتبال سالینی است. مثل سید مهدی ابطیعی، مجید نامجو مطلق، علی کریمی و... که شاخص تریشان محمدرضا حیدریان کاپیتان سابق تیم ملی فوتسال کشورمان بود. این روزها که فوتبال فیزیکی تر شده و حرفه ای بودن ملاک مربی هاست بازیکنان فانتزی که با توپ زیاد کار می کنند چندان مورد توجه نیستند و دیگر نمی توان رد گل کوچیک را بین بازی ستاره ها گرفت، اما در گوشه و کنار شهر هنوز هستند مدود بچه های مستعدی که گل کوچیک می زنند تا از ظرافت های این بازی لذت ببرند.
- **نکته طلایی؟** در گل کوچیک بعضی چیز ها مهم تر از گل زدن بود، مثل لایی زدن! کسی که لایی می خورد تا آخر بازی در کل گل ها تحقیر می شد! حتی اگر تیشم برنده می شد هم لایی خوردن آن قدر خفت داشت که نگو و نپرس!

سانتر کله؛ حداقل امکانات، حداکثر هیجان

- **چه طور بود؟** سانتر کله بازی عجیبی بود! یک نفر می رفت دروازه! یک نفر می رفت چند متر دورتر و سانتر می کرد! بقیه هم در تقلا بودند برای این که سانتر را قطع کنند و گل بزنند! یعنی اصل جنس بود! آن هم برای ما پسر بچه های ایرانی که طی ۳۰ سال اخیر همیشه هر چی فوتبال داخلی دیدیم، مبتنی بر همین تاکتیک بوده! سانتر و هزدن! که البته برای اختصار، اسم بازی شده بود سانتر کله! البته در گوشه و کنار شهرهای مختلف اسم های مختلفی برای این بازی وجود داشتند! اما معروف ترینش همین بود! این قدر در این زمینه خود کفا و خوش تکنیک بودیم که اگر مسابقات جهانی اش برگزار می شد ایران اول می شد و حتی ممکن بود تیم دوم و سومش هم ایران باشد! این بازی هم گاهی با خلاقیت هایی همراه بود. به طور مثال گاهی یک مدافع هم حضور داشت!
- **چی داشت؟** الگوی ورزشی آن هایی که اهل سانتر کردن بودند یا جواد زرینچه بود یا مهدی مهدوی کیا برای راست پاها! و رضا شاهرودی و مهرداد میناوند و صادق ورمزیار برای چپ پاها! عابدزاده و غلامپور هم الگوی دروازه بانان بودند و اوج هیجان برای دروازه بان این بود که توپ را مشت کند! سرزن ها هم دوست داشتند مثل کریم باوی، کریم باقری و علی دایی باشند! خلاصه سانتر خوب، خروج به موقع و سرزنی شاخص ترین فاکتورهای این بازی بود.
- **چی نداشت؟** در این بازی در بیل و شوت نبود! حتی دروازه بان ها شیرجه هم نمی زدند چون یا حین خروج توپ را دفع می کردند و همه چیز به خیر و خوشی تمام می شد یا توپ را نمی گرفتند و دروازه خالی و بدون پشت و پناه می شد!
- **رونقش کی و کجا بود؟** بهترین و جالب ترین فضا برای این بازی روی چمن های پارک بود. فضای بین دو درخت می شد دروازه! طبیعتا درخت ها طوری کاشته نشده بودند که دروازه ای در مقابل باشد لذا با همان یک دروازه بچه ها می ساختند و این بازی هیجان انگیز را تجربه می کردند.
- **چی شد؟** برخلاف گل کوچیک که می شود ادعا کرد کلی فوتبالیست و فوتسالیست تحویل جامعه ورزشی داده این بازی طوری نبود که خروجی اش محسوس باشد اما این روزها هم در گوشه و کنار شهرها بر گزار می شود حتی بین میانسال ها! چون برخلاف گل کوچیک و در بیل گل نفس زیادی نمی خواهد! حتی خیلی وقت ها در بازی های سالینی رفاقتی وقت زیادی روی این بازی گذاشته می شود تا همه به خصوص دروازه بان گرم شوند و مهپای بازی اصلی!

- **چه طور بود؟** مثل گل کوچیک فراگیر نبود. مخصوص نوجوانان بود و جوان ها کمتر جدی اش می گرفتند! دلیل هم داشت! بچه های بین ۱۰ تا ۱۴ سال بدون برنامه قبلی بعد از ظهر ها تندتند مشق ها را می نوشتند و می زدند بیرون! متناسب با این که چند نفر در کوچه بودند، یک بازی را توی رگ می زدند. گل کوچیک مربوط به وقت هایی بود که تعداد نفرات فرد بود. به طور معمول از ۲ نفر شروع می شد و تا ۸ نفر ادامه داشت. قانون بازی این بود که یک نفر می رفت درون دروازه و بقیه باید به او گل می زدند. هر کسی گل می زد می رفت داخل دروازه و این ماجرا تا پنجر شدن توپ با تاریک شدن هوا ادامه داشت. بیشتر وقت ها «در بیل گل» امتیازی بود یعنی هر کسی بیشتر گل می زد، امتیازش بیشتر بود و برنده می شد. گاهی وقت ها برای هیجان بیشتر در بیل گل می شد بازی تیمی! یعنی اگر بفرض ۶ نفر بودند، سه تیم سه نفره می شدند! دروازه بان و مدافع! و دو تیمی که باید گل می زدند! هر چه قدر رقابت و کل کل بیشتر می شد روح ورزشی بازی کمتر می شد! چون دروازه بان و مدافع به تیمی که کمتر گل زده بود راه می دادند!
- **چی داشت؟** در بیل گل هیجان جالبی داشت! چون گل زیادی در آن رد و بدل می شد! بازیکن برای این که در بیل گل باز قدر باشد باید موقعیت سنج می شد! خیلی وقت ها کسانی که عقب بودند با زحمت توپ را تا جلوی دروازه می رساندند اما کسی که تمام کننده بهتری بود، توپ را گل می کرد. کسانی که شوت زن های خوبی بودند در در بیل گل موفق می شدند چون می توانستند بدون جا گذاشتن بقیه راحت با یک شوت گل بزنند! حسن دیگر این بازی این بود که فرد همزمان و در یک بازی به طرز جالبی پست های مختلف فوتبال مثل دروازه بان، مدافع و مهاجم را تجربه می کرد!
- **چی نداشت؟** در بیل گل کار گروهی نداشت! یعنی در بیشتر مواقع نداشت! قوانین خاصی هم نداشت و همه چیز بر اساس شرایط روز بود و تعداد آدم هایی که حضور داشتند! در بیل گل یک مشکل دیگر هم داشت به نام شادی بعد از گل! اساساً همه رقیب بودند و کسی نبود شادی بعد از گل را با او تقسیم کنی!
- **رونقش کی و کجا بود؟** خوبی در بیل گل این بود که حتی در حیاط کوچک خانه ها هم می شد بازی کرد! حسن دیگرش این بود که چون یک دروازه داشت و مکان کمی و کوچکی برای بازی می خواست، می شد در گوشه ای از کوچه یا حیاط و باغ که نور بهتری داشت بازی کرد!
- **چی شد؟** بعید است بچه های این دوره زمانه که با یک گوشی می توانند در نقش مسی و کریس رونالدو ظاهر شوند الان حوصله چنین تکاپویی را نداشته باشند.

شوت یه ضرب؛ به یاد کریم باقری!

- **چه طور بود؟** بازی قانون ساده ای داشت! دو دروازه که دور از هم بودند و درونش یک نفر بود! کل بازی هم دو نفره بود! باید با شوت سر ضرب و محکم دروازه حریف را باز می کردند! گاهی به زحمت یک تبصره اضافه می شد و استپ کردن توپ با دست جزو آن یک ضرب محسوب نمی شد! گاهی دو تیم دونفره با هم بازی می کردند اما باز هم پاسکاری در کار نبود و باید با یک ضرب مهار و کنترل و یک ضرب شوت گل می زدند! در شوت یک ضرب مثل در بیل گل چون فضا کم بود، ممکن بود توپ بعد از برخورد با دیوار یا وسایل منزل و حیاط گل شود برای همین دو تیم قبیلش توافق می کردند که گل به اصطلاح دیواری قبول است یا نه! اگر قبول بود که بازی پیچیده می شد چون می شد با تفرندی توپ را به دیوار کوکید تا وارد دروازه شود!
- **چی داشت؟** در شوت یک ضرب شوتزن بودن مهم ترین فاکتور بود. گاهی می شد توپ به خاطر کنترل ضعیف در وسط دروازه یا جلوی دروازه خودی متوقف می شد! این جا بود که باید فاکتور شجاع بودن را هم برای ایستادن جلوی یک شوت مهلک در فاصله نزدیک، به شرایط بازیکن اضافه می کردیم! گل زدن در این بازی مهم بود اما یک سمت ماجرا گل نخوردن بود. سرعت عمل هم موثر بود چون لازم نبود شوت ها فنی و دقیق باشد کافی بود سریع و سر ضرب باشد تا حریف وسط دروازه استقرار کافی پیدا نکند!
- **چی نداشت؟** ظاهر و باطن بازی خیلی ساده بود! حتی نفس زیادی نمی خواست اما هیجانش بالا بود. گاهی در شوت یک ضرب یک بازیکن تکنیکی و توانمند به خاطر اقتضائات بازی از یک بازیکن فیزیکی و تنومند راحت می باخت!
- **رونقش کی و کجا بود؟** شوت یک ضرب در راهروهای باریک خانه های قدیمی رونق زیادی داشت! راهروهایی که حداقل در منزل تا داخلش بود.
- **چی شد؟** به شدت توصیه می کنیم اگر پدر خانواده هستید و آپارتمان نشین با دختر و پسر تان شوت یک ضرب بازی کنید! هم تلفات ندارد! هم دودین در آن کمتر از بازی های دیگر است و مزاحم همسایه پایینی نمی شوید! هم هیجانش بالاست! فوکش یکی دو گلدان و میوه خوری تان می شکند و عیالتان شاکی می شود که این هم جزو هیجان بازی است! اصلا قدیم بخشی از لذت بازی در این بود که زنگ خانه همسایه را بزنی و بگویی توپ ما افتاده توی حیاط شما! هیجان گفتن این جمله و صبر برای دیدن واکنش طرف مثل خنثی کردن بمب سه زمانه بود! از حواایل شما که از خود است و صبوری می کند!